

بسمه تعالی

در حال زندگی کردن و لذت بردن

۱۸ سال پیش من در شرکت سوئدی ولوو استخدام شدم. کار کردن در این شرکت تجربه جالبی برای من به وجود آورده است. اینجا هر پروژه‌ای حداقل ۲ سال طول می‌کشد تا نهایی شود، حتی اگر ایده ساده و واضحی باشد. این قانون اینجاست. جهانی شدن (globalization) باعث شده است که همه ما در جستجوی نتایج فوری و آنی باشیم. و این مشخصاً با حرکت کند سوئدی‌ها در تناقض است. آنها معمولاً تعداد زیادی جلسه برگزار می‌کنند، بحث می‌کنند و خیلی به آرامی کار را پیش می‌برند. ولی در انتها، این شیوه همیشه به نتایج بهتری می‌انجامد. به عبارت دیگر:

۱. سوئد در حدود ۴۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد.

۲. سوئد حدود ۹ میلیون نفر جمعیت دارد.

۳. استکهلم، پایتخت سوئد که به پایتخت اسکاندیناوی نیز مشهور است حدود ۷۸۰۰۰ هزار نفر جمعیت دارد.

۴. ولوو، اسکانیا، الکترولوکس و اریکسون برخی از شرکتهای تولیدی سوئد هستند.

اولین روزهایی که در سوئد بودم، یکی از همکارانم هر روز صبح با ماشینش مرا از هتل برمی‌داشت و به محل کار می‌برد. ماه سپتامبر بود و هوا کمی سرد و برفی. ما صبح‌ها زود به کارخانه می‌رسیدیم و همکارم ماشینش را در نقطه دوری نسبت به در ورودی ساختمان پارک می‌کرد. در آن زمان، ۲۰۰۰ کارمند ولوو با ماشین شخصی به سر کار می‌آمدند.

روز اول، من چیزی نگفتم، همین طور روز دوم و سوم، روز چهارم به همکارم گفتم: آیا جای پارک ثابتی

داری؟ چرا ماشینت را اینقدر دور از در ورودی پارک می‌کنی در حالی که جلوتر هم جای پارک هست؟

او در جواب گفت: برای این که ما زود می‌رسیم و وقت برای پیاده رفتن داریم. این جاها را باید برای کسانی بگذاریم که دیرتر می‌رسند و احتیاج به جای پارکی نزدیک‌تر به در ورودی دارند تا به موقع به سر کارشان برسند. تو فکر نمی‌کنی این طور بهتر باشد؟

میزان شرمندگی مرا خودتان حدس بزنید.

این روزها، جنبشی در اروپا راه افتاد به نام غذای آهسته (Slow food). این جنبش می‌گوید که مردم باید به آهستگی بخورند و بیاشامند، وقت کافی برای چشیدن غذایشان داشته باشند، و بدون هر گونه عجله و شتابی با افراد خانواده و دوستانشان وقت بگذرانند. غذای آهسته در نقطه مقابل غذای سریع (Fast food). و الزاماتی که در سبک زندگی به همراه دارد قرار می‌گیرد. غذای آهسته پایه جنبش اساساً حس شتاب و دیوانگی به وجود آمده بر اثر نهضت جهانی شدن را زیر سوال می‌برد. نهضتی که کمیت را جایگزین کیفیت در همه شئون زندگی ما کرده است.

مردم فرانسه با وجودی که ۳۵ ساعت در هفته کار می‌کنند اما از آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها مولدترند. آلمانی‌ها ساعت کار هفتگی را به ۲۸،۸ ساعت تقلیل داده‌اند و مشاهده کرده‌اند که بهره‌وری و قدرت تولیدشان ۲۰ درصد افزایش یافته است. این گرایش به آهستگی و کند کردن جریان شتاب آلود زندگی، حتی نظر آمریکایی‌ها را هم جلب کرده است.

البته این گرایش به عدم شتاب، به معنی کمتر کار کردن یا بهره‌وری کمتر نیست. بلکه به معنی انجام کارها با کیفیت، بهره‌وری و کمال بیشتر، با توجه بیشتر به جزئیات و با استرس کمتر است، به معنی برقراری مجدد ارزشهای خانوادگی و به دست آوردن زمان آزاد و فراغت بیشتر است، به معنی چسبیدن به حال در مقابل آینده نامعلوم و تعریف نشده است، به معنی بهادادن به یکی از اساسی‌ترین ارزشهای انسانی یعنی ساده زندگی کردن است. هدف جنبش آهستگی، محیط‌های کاری کم تنش‌تر، شادتر و مولدتری است که در آن، انسان‌ها از انجام دادن کاری که چگونگی انجام دادنش را بلدند، لذت می‌برند. اکنون زمان آن فرا رسیده است که توقف کنیم و درباره این که چگونه شرکتها به تولید محصولاتی با کیفیت بهتر، در یک محیط آرام‌تر و بی‌شتاب و با بهره‌وری بیشتر نیاز دارند، فکر کنیم.

بسیاری از ما زندگی مان را به دویدن در پشت سر زمان می گذرانیم اما تنها هنگامی به آن می رسیم که بر اثر سکنه قلبی یا در یک تصادف رانندگی به خاطر عجله برای سر وقت رسیدن به سر قراری، بمیریم.

بسیاری از ما آنقدر نگران و مضطرب زندگی خود در آینده هستیم که زندگی خود در حال حاضر، یعنی تنها زمانی که واقعاً وجود دارد را فراموش می کنیم.

همه ما در سراسر جهان، زمان برابری در اختیار داریم. هیچکس بیشتر یا کمتر ندارد. تفاوت در این است که هر یک از ما با زمانی که در اختیار داریم چکار می کنیم. ما نیاز داریم که هر لحظه را زندگی کنیم. به گفته جان لنون، خواننده معروف: زندگی آن چیزی است که برای تو اتفاق می افتد، در حالی که تو سرگرم برنامه ریزی دیگری هستی.

به شما به خاطر اینکه تا پایان این مطلب را خواندید تبریک می گویم. بسیاری هستند که برای هدر ندادن زمان، از وسط مطلب، آن را رها می کنند تا از قافله جهانی شدن عقب نمانند.